

جورج فلوید کولبر!

اقدام تعدادی از نیروهای پلیس مرزبانی ترکیه در بازداشت، شکنجه و کشتن یک کولبر و زخمی کردن کولبر دیگر ایرانی باعث بهت و غم بسیاری در میان مردم کشور شده است. استفاده فراقانونی از نیروی قهریه، شکنجه دهشتناک باعث مرگ حسن کچلانو پدر ۳ فرزند و زخمی شدن بهنام صمدی نوجوان ۱۷ ساله دیگر شده است.

به گزارش سایت خبری پرسون، اردشیر پشنگ نوشت:

این حجم از سببیت و خشونت توسط پلیس ترکیه که متأسفانه مسبوق به سابقه نیز هست حتی باعث انزجار جامعه مدنی اعم از ترک و کرد در ترکیه نیز شده است! به نظر می‌رسد تراژدی کچلانو و صمدی مدل خاورمیانه‌ای و ترسناک‌تر داستان جورج فلوید امریکایی است یک نقض فاحش و جدی حقوق بشر با انگیزه‌های خاص! لذا هم جوامع مدنی ایرانی و ترکیه و هم نهادهای مسوول دو کشور و حتی نهادهای حقوق بشری منطقه‌ای و بین‌المللی باید برای برخورد قاطع با آن و جلوگیری از تکرارش به این اتفاق ورود جدی داشته باشند.

اما در اینجا می‌خواهم از ۳ منظر مختلف به موضوع رفتار غیرانسانی و شکنجه منجر به مرگ کولبر ایرانی توسط پلیس ترکیه بپردازم: یک بعد این قضیه داخلی است اینکه چرا شرایط اقتصادی در مناطق پیرامونی به خصوص مرزی کشور باید اینقدر حاد باشد که پیر و جوان، زن و مرد، تحصیلکرده و غیرتحصیلکرده برای تهیه تکه‌ای نان بر سر سفره‌شان مجبور به کولبری با همه خطرات، مشقات و مصائبش شوند! چند سال هست که مدام مسوولان مختلف، نمایندگان مجلس و... از طرح‌های مختلف برای حل معضل کولبری صحبت می‌کنند و رونمایی می‌کنند اما در عمل نه تنها هیچ‌یک از این طرح‌ها تاکنون اثری نداشته است بلکه به دلیل تشدید مشکلات اقتصادی شاهد افزایش تعداد کولبران و در نتیجه افزایش قربانیان این کارناپذیر هستیم!

واقعاً آیا شایسته است مدام اخبار و تصاویر شهروندان ایرانی اعم از کرد، بلوچ، فارس و در حالی که بارهای سنگین بر دوش در کوهستان‌های صعب‌العبور یا با چند گالن سوخت با ده‌ها خطر در بیابان‌ها در تردد باشند تا از این طریق پرخطر سایر امور زندگی‌شان بچرخد؟ کاملاً پیداست حل معضل کولبری در غرب کشور، سوخت‌بری در جنوب شرق کشور و... نیازمند یک اراده کاملاً جدی در سطح مقامات ارشد کشور در تهران است تا با ترسیم برنامه‌هایی منسجم، کاربردی و علمی و استفاده از مجریانی حرفه‌ای، توانمند و متخصص به حل اساسی و سریع این معضلات اقدام کنند! بعد دوم این ماجرا به دیپلماسی و روابط دوجانبه تهران- آنکارا بازمی‌گردد.

این دو کولبری که به دست نیروهای مرزی ترکیه افتاده‌اند بالاخره شهروند کشور جمهوری اسلامی ایران هستند! طبیعتاً حق و حقوقی دارند! دولت ترکیه هم که روابط خوب و نزدیکی با ایران دارد، حال سوال اینجاست چرا ماموران رسمی امنیتی- مرزبانی ترکیه باید به خود اجازه دهند با شهروندان ایرانی رفتاری غیرانسانی، شنیع و دهشتناک انجام دهند؟ مساله دیگر این است بررسی کنیم در وهله نخست واکنش نهادهای مسوول ما چه سفارت و کنسولگری مربوطه ایران در ترکیه، چه وزارت خارجه و وزارت کشور و چه دیگر نهادهای مرتبط از لحظه آگاهی یافتن از این جنایت تاکنون چه واکنشی در راستای صیانت از حقوق شهروندان تحت ظلم کشورشان نشان داده‌اند؟ در وهله دوم باید نهادهای ذی‌ربط کشور به طور جدی به این مساله ورود کنند، پیگیر مساله باشند، خسارات وارده که متأسفانه با مرگ یکی و نیمه‌جان شدن دیگری روی داده هر چند جبران‌ناپذیر است اما تا حد امکان جبران شود و طوری واکنش نشان دهند که زمینه تکرار چنین اقدامی دیگر فراهم نشود! بعد سوم ماجرا به داخل ترکیه بازمی‌گردد.

قوانین دولت ترکیه هم در برخورد با کسانی که به صورت غیرقانونی وارد این کشور می‌شوند، مشخص است! در هیچ جای قوانین نوشته شده و اعلامی این کشور چنین رفتاری با یک مجرم توسط مجریان قانون مجاز اعلام نشده است! چطور است که ماموران دولتی ترکیه بدون ترس و واهمه‌ای از مجازات و پیگرد در داخل به خود این اجازه را می‌دهند تا سببیت و وحشی‌گری را در قبال دو کولبر به اوج رسانده و اینگونه با آنان برخورد کنند؟ در اینجا امیدوار هستم هم جامعه مدنی ترکیه اعم از کردها و ترک‌ها و هم نهادهای قانونی این کشور بلافاصله با این خاطیان که در اصل گویی جانبانی در لباس پلیس بوده‌اند، برخورد لازم را انجام دهند!